



مقدمه

بازشناسی جریان کربلا و نگاه ژرف و عمیق به این برهه سرنوشت ساز تاریخ اسلام ضرورتی است برای شیعیان مخلص و مسئولیت شناس، خصوصا مبلغان دین، که از سویی وظیفه شناخت معارف دینی را بر دوش داشته و از سوی دیگر نشر و گسترش اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بر عهده آنان است. اگر از صدر اسلام، مسلمانان وظایف خویش را می شناختند و دست نامحرمان را از حریم دین جدا می کردند. و انحراف، کج فهمی و بیراهه باب نمی گشت. عاشورایی رخ نمی داد. و اکنون نیز بر همه منادیان حق و توحید لازم است که با شناخت عاشورا و شناساندن آن از ایجاد انحراف در این حرکت عظیم که میزان تنظیم جریانات تاریخ شیعه می باشد جلوگیری کرده تا زمینه های بروز فاجعه ای دیگر فراهم نگردد. شناخت دقیق و صحیح عاشورا در ابعاد مختلف و ترویج آن، حرکت های مربوط به عاشورا را در خط عاشورا به جریان می اندازد که چیزی جز خط احیاء اسلام ناب نیست. در جریان عاشورا شاخص هایی مطرح گردیده که بررسی آنها سنگ بنای حرکت در این خط نورانی است که به اهم آنها اشاره می شود:

1. احیاء ارزشهای دینی

قیامها و انقلابهایی که در طول تاریخ بشر شکل گرفته، هر کدام با انگیزه هائی رخ داده و به دنبال دستیابی به اهدافی بوده است؛ این اهداف گاهی الهی - انسانی بوده و در موارد بسیاری ستمگران به دلیل مقاصد نفسانی و جاه طلبی ها جنگ های فراوانی راه انداخته و ظالمانه بر جوامع حاکم گشتند. و گسترش فساد را از اولویت های اهداف ننگین خود قرار دادند.

امام حسین (علیه السلام) برای تبیین انگیزه قیام خویش اهداف خاصی را بیان کرده اند که می توان از باب نمونه به وصیت نامه ایشان به محمد ابن حنفیه استناد کرد. آن حضرت چنین می نگارند:

«...إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)؛ (1) من از روی خودکامگی و سر مستی و گسترش فساد و ستمگری قیام نکردم بلکه فقط برای اصلاح در امت جدم بپاخواستم و مقصودم امر به معروف و نهی از منکر است من بر اساس سیره جدم رسول الله (صلی الله علیه و آله) و پدرم علی ابن ابیطالب (علیهما السلام) عمل خواهم کرد.»

اینجا حضرت هدف خویش را احیاء سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) معرفی می کنند.

2. مبارزه با بدعت

وجود خطا و انجام خلاف شرع در بین آحاد جامعه همیشه وجود داشته، حتی در زمان حکومت معصومین (علیهم السلام)، وجود گناه و خطا انکارناپذیر است دلیل آن آیات فراوانی است که در مورد خطاها و گناهان منافقین است همچنین خطبه ها و نامه های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که در مورد اشتباهات و گناهان اصحاب آن حضرت صادر شده است.

تنها ویژگی حکومت های صالحان و معصومین جلوگیری از علنی شدن و بروز گناهان است؛ اما از این مسئله، حساس تر و خطرناک تر بدعت گذاری است. بدعت به معنای انجام گناه و یا علنی شدن گناه نیست بلکه مسئله ای را بر خلاف شرع جزء دین جلوه دادن است که از گناهان کبیره بوده، وظیفه هر عالم متعهدی، مبارزه جدی و بی امان با آن می باشد.

روایرویی با بدعت تا آنجا اهمیت دارد که ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) یکی از دلایل مهم قیام خود را مبارزه با بدعت و احیاء سنت نام برده در نامه ای که به برخی از بزرگان می نویسند اینچنین بیان می کنند. «...وَأَنَا

أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَ إِنْ اسْتَمِعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي، أَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ وَ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ؛ (2)

من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر (صلى الله عليه وآله) دعوت می کنم زیرا سنت نابود شده و بدعت زنده گشته است اگر سختم را بشنوید و از من اطاعت کنید شما را به راه رشد و بالندگی هدایت می کنم، درود و رحمت خدا بر شما باد.»

3. رویارویی با گسترش فساد

یکی از مسائل مهم دیگری که در کلمات امام حسین (علیه السلام) به عنوان انگیزه انقلاب کربلا مطرح شد مبارزه با گسترش فساد و گناه است، در این باره اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می فرماید: «يَا فِرْزَدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكَوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ، وَ أَظْهَرُوا الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ، وَ أَبْطَلُوا الْحُدُودَ، وَ شَرَبُوا الْخُمُورَ، وَ اسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ، وَ أَنَا أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَ إِعْزَازِ شَرْعِهِ، وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ، لِيَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا؛ (3) ای فرزداق! اینان قومی هستند که اطاعت شیطان را برگزیده و اطاعت خداوند رحمان را ترک کردند، فساد در زمین را آشکار ساخته حدود شرعی را باطل کرده مسکرات نوشیدند اموال فقراء و مساکین را به نفع خود برداشتند و من در قیام برای یاری دین خدا و عزت بخشیدن به دین او و جنگ در راه خدا از دیگران سزاوارترم تا نام خدا به پیروزی رسد.»

همچنین می فرماید:

«...أَلَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؛ (4) آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و باطل طرد نمی گردد. حقیقتاً مؤمن باید به مرگ راغب باشد هر آینه من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز زجر و شکنجه نمی بینم.»

4. جان دادن برای دین خدا و احیاء حق

یکی از مهم ترین آموزه های کربلا درس جانبازی در راه دین، و همه جاذبه های دنیوی را در مسیر رضای الهی به هیچ انگاشتن است. آدمی به جان خویش بیش از همه عشق می ورزد و هر چیز را برای جانش می خواهد اگر

حاضر شد از این عزیزترین، برای مقصودی بگذرد بایستی آن چیز را مهم ترین هدف در دیدگاهش دانست. امام حسین (علیه السلام) در مسیر احیاء حق، اهداء جان و پذیرش مرگ را بسیار ساده و آسان می شمرد. آن حضرت می فرماید:

«لَيْسَ شَأْنِي شَأْن مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ ، مَا أَهْوَنَ الْمَوْتُ عَلَيَّ سَبِيلَ نَيْلِ الْعِزِّ وَ إِحْيَاءِ الْحَقِّ ، لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةً خَالِدَةً ، وَ لَيْسَتْ الْحَيَاةُ مَعَ الدُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَحْيَاةٌ مَعَهُ ، أَفَبِالْمَوْتُ تُخَوِّفُنِي؟ هَيْهَاتَ، طَاشَ سَهْمُكَ، وَ خَابَ ظَنُّكَ! لَسْتُ أَخَافُ الْمَوْتَ، إِنَّ نَفْسِي لَأَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ وَ هِمَّتِي لِأَعْلَى مِنْ أَنْ أَحْمِلَ الضَّيْمَ خَوْفًا مِنْ الْمَوْتُ، وَ هَلْ تُقَدِّرُونَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِنْ قَتْلِي؟ مَرْحَبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ وَلَكِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ هَذَا مَجْدِي وَ مَحْوِ عِزِّي وَ شَرَفِي ، فَإِذَا لَا أَبَالِي بِالْقَتْلِ؛ (5)

در شخصیت من، ترس از مرگ جایگاهی ندارد مرگ در راه عزت و احیاء حق چه آسان است. مرگ در راه عزت جز حیات جاویدان نیست و زندگی با ذلت جز مرگ بدون زندگی نخواهد بود آیا مرا از مرگ می ترسانید؟... آیا بالاتر از کشتنم چه می توانید کرد؟! آفرین بر کشته شدن در راه خدا ولی بدانید هرگز نمی توانید عظمت مرا بشکنید و عزت و شرف مرا از بین ببرید پس باکی از کشته شدن ندارم.»

کربلا، جریان یا رویداد

از آنجا که اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به عنوان پیشوای سوم شیعیان و حجت خدا است اگر حرکتی را در بستر زمانی خاص انجام داده بر همه پیروان و شیفتگان آن حضرت لازم است در آن مسیر حرکت کنند. همچنین بر اساس معارفی که از زیارات درمی یابیم همگی وظیفه مندیم که تا قیامت او و یارانش را دوست داشته و با دشمنانش همواره در ستیز و دشمنی قرار گرفته و با این دوستی و دشمنی به خدای بزرگ تقرب جوییم. در زیارت امام حسین (علیه السلام) در عاشورا چنین آمده است: «وَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُوَالَاةِ وَلِيِّكُمْ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ؛ و به خداوند تقرب می جویم، سپس به شما تقرب می بیا کردد و با بیزاری از پیروان و همراهان آنان. من با کسانی که با شما مسالمت داشته باشند تسلیم هستم و با کسانی که با شما بجنگند در جنگم و دوست دوستان شما و دشمن دشمنانتان هستم.»

نتیجه آنکه قضایای کربلا محدوده جغرافیایی و عصری را در می نوردد و رودی خروشان در بستر تاریخ جاری می کند که همواره قطرات زلال انسان های پاک را به جمع خویش پیوند می دهد و نوید حیات پاکی و خداجویی به سرزمینهای دیگر می رساند.

امام حسین (علیه السلام) جریان بودن کربلا را در فرازهایی از سخنانش این گونه ترسیم می کند. ابتدا خود و دودمان پاکش را معرفی می کند، سپس چهره ننگین و گناه پیشه یزید را نشان می دهد و در پایان می فرماید:

«مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ؛ فردی مثل من با کسی مانند او هرگز بیعت نخواهد کرد.»

حضرت این گونه بیان می کند که این دو شخصیت کاملاً متفاوت از جهت فکر، ایمان و عمل در هیچ جایی نمی توانند با یکدیگر همراه شوند و این، محدوده زمانی و جغرافیایی نمی شناسد. و یا در جمله الا ترون ان الحق لا يعمل به... که در صفحات قبل ذکر شد، حضرت می فرمایند: «وقتی در جامعه ای به حق عمل نشود و از باطل نهی نگردد مؤمن به حق باید آرزوی مرگ کند.» این جملات هرگز محدوده زمانی و مکانی نمی شناسد و این پیامها و مفاهیم، کربلا را به صورت یک جریان درمی آورد.

ما برای آنکه عاشورا را در خط عاشورا نگه داریم وظیفه داریم که از سویی پیام های عاشورا را به خوبی بشناسیم و از سوی دیگر آثار محدود در چهارده قرن قبل و به عنوان یک رویداد تلقی نکنیم بلکه جریان پویای عاشورا را ترسیم و به مردم بگوییم که جایگاه خویش را در این جریان بیابند؛ وظیفه خود را بشناسند و به آن وظیفه عمل کنند. پیامهای اساسی عاشورا که احیاء ارزشهای مبارزه با بدعت و فساد و تباهی و جان دادن برای احیاء حق و عزت بود باید به خوبی برای مردم ترسیم و آفت های هر بخش تبیین گردد که در اینجا به هر یک از آن شاخصها به صورت جریان نگاه می شود و مواردی به صورت نمونه مطرح می گردد.

1. احیاء ارزش ها و یا جاه طلبی

امروزه در بسیاری از حرکت های اجتماعی به جای دفاع از ارزشهای دینی، جناح بندی و دفاع از جناحها نشسته و به قیمت نابودی ارزشها دنبال می شود که این حرکت با خط عاشورا سازگار نیست. اگر برای دستیابی به پست، سمت و ریاست همه چیز قربانی شود این راه یزید، ابن زیاد و عمر سعد است نه امام حسین (علیه السلام). امام حسین (علیه السلام) رسماً اعلام می کند که من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم این حرکت با ترویج منکر و نهی از معروف برای جلب آرای مخالفان دین سازگار نیست.

2. مبارزه با بدعت نه ترویج بدعت

امام حسین (علیه السلام) مردم را به کتاب خدا و سنت می خواند و علت قیام خود را بی توجهی به کتاب خدا و نابودی سنت و برپاشدن بدعت ها می شمرد. حال شیعیان آن حضرت باید به این جریان بپیوندند و به احیاء سنت بپردازند.

این خیزش و انقلاب ابتداء باید از مراسم دینی آغاز گردد و سپس همه ابعاد فرهنگی جامعه مورد توجه قرار گیرد. در مراسم عبادی، مجالس عزاداری ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) از جایگاه ویژه ای برخوردار است. پس از وقایع عاشورا نه نفر از ائمه بزرگوار (علیهم السلام) زیسته اند و شیعیان بسیاری در زمان آنان بوده اند و به

عزاداری و بزرگداشت کربلا اهتمام داشته اند زیرا این مهم، در روایات بسیاری مورد توجه قرار گرفته است اما گاهی حرکت‌هایی دیده می شود که ائمه اطهار (علیهم السلام) به آن توصیه نکرده و سبب وهن شیعه گردیده است. این حرکت ها باید با ظرافت توسط علمای دین شناسایی و به مردم که از علاقه مندان اهل بیت هستند گوشزد شود. در اینجا نمونه هایی بیان می شود.

الف) اشعار یا رفتار باطل

بیان مدح و مرثیه ائمه اطهار بایستی به نحوی با ژرف نگری انجام شود که سخنان باطل به آن راه نیابد همچنین در مراسم تعزیه ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) باید دقت وافر از طرف مسئولین خصوصا مبلغین عزیز اعمال گردد که ضمن برگزاری با شکوه و گسترده مراسم از راه یابی رفتارهای خطا و انحرافی به آن جلوگیری شود؛ گاهی دیده می شود که اشعاری خوانده می شود و یا رفتارهایی بروز می کند که برای هر عالمی واضح است که مرضی ائمه اطهار (علیهم السلام) نبوده و اگر در محضر آن بزرگواران چنین رفتاری بروز می کرد و یا این چنین اشعاری بیان می شد به شدت طرد می گردید. همان گونه که پیشوایان عزیز ما با صوفیه و یا تفکرات باطل با صراحت مخالفت می نمودند.

ب) عدم دقت در بیان مقاتل

از مسائل مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد بیان دقیق مقتل است به این معنی که اگر مطلبی بیان می شود حداقل در یکی از مقاتل نقل شده باشد نه آنکه هر چه گفته می شود، مطالبی شنیده شده و بدون مآخذ باشد. زیرا دروغ گفتن از گناهان کبیره است و دروغ بستن به ائمه (علیهم السلام) اگر در ماه مبارک رمضان انجام شود موجب بطلان روزه است اما با کمال تأسف گاهی در عزاداریها برخی به راحتی مطلب خطائی را به امام (علیه السلام) نسبت می دهند و حرفهایی که در هیچ کتابی نیست با جسارت مطرح می کنند.

ج) بی توجهی به نشر معارف

یکی از فضاهای بسیار مهمی که در طول تاریخ، شیعیان از آن برای نشر معارف دینی استفاده کرده و عموم مردم را از جهت فکری تغذیه کرده اند جلسات عزاداری ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بوده است در این جلسات

مباحث اعتقادی، اخلاقی و احکام شرعی برای مردم بیان می شده است لیکن با گذر زمان این مجالس از تبلیغ معارف دینی فاصله گرفته، صرفاً به خواندن اشعار و روضه ای اکتفا می شود که باید سمت و سوی آن به سوی ترویج علم و معارف دینی و بیان احکام تغییر یافته و عزاداری هم به خوبی برگزار گردد.

د) طولانی شدن عزاداری ها

گاهی عزاداریها بسیار طولانی می شود و تنها چند نفر محدود برنامه ها را دنبال می کنند و بسیاری از عزاداران خسته می شوند. و اگر فردی هم اعتراض کند به دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) متهم می شود در حالی که می توان گفت گاهی طولانی شدن عزاداری ها موجب قضا شدن نماز صبح افراد می گردد.

ه) عدم تبیین اهداف اباعبدالله الحسین (علیه السلام)

در مواردی اهداف قیام کربلا برای مردم تبیین نمی شود و یا در صورت بیان اهداف. مصادیق زمان که نمود بارز آن در مبارزه با آمریکا تبلور می یابد مشخص نمی شود.

و) روش های روضه خوانی

برخی از کسانی که روضه می خوانند گاهی از شیوه ها و دستگاه های موسیقی استفاده می کنند که به هیچ وجه مناسب مجالس عزاداری سالار شهیدان کربلا نیست، که امید است با راهنمایی علماء دین، وزانت این مجالس حفظ گردد.

3. مبارزه با فساد و تباهی

اباعبدالله الحسین (علیه السلام) از فساد و تباهی گریزان و از سکوت جامعه در برابر فساد خشمگین است.

ایشان می فرمایند: «اینان فساد را ظاهر کردند و حدود را باطل کردند و شراب خواری نمودند.» و یا در جای دیگر می فرمایند: «مگر نمی بینید به حق عمل نمی شود و نسبت به باطل نهی نمی گردد.» یعنی مردم از کنار باطل به راحتی می گذرند و در این صورت است که امام حسین (علیه السلام) می فرمایند: «بر مؤمن حق است که آرزوی مرگ کند.»

آیا پیروان و شیفتگان امام حسین (علیه السلام) هنگامی که باطل را می بینند و فساد به صورت آشکار رخ می دهد نهی از منکر می کنند؟ آیا می گویند که حق این است، چرا عمل نمی شود؟ اگر چنین است بسیار خوب و اگر نیست عاشوراییان باید به خط عاشورا برگردند.

4. چهره الگوی عزت

امام حسین (علیه السلام) برای احیاء دین و حق جنگید، جان داد و هرگز زیر بار ذلت نرفت، فرازهایی از سخنان عزت آفرین آن حضرت را بیان کردیم ولی تا چه حد توانسته ایم این چهره عزیز را عزتمند معرفی کنیم؟ آن حضرت فرمودند: شما بیش از کشتن نمی توانید کاری از پیش ببرید لیکن مجد، عزت و شرف من را نمی توانید نابود کنید آیا ترسیمی که از کربلا و بیان وقایع عاشورا می شود چهره مردی غیرتمند و عزیز با این شاخص است یا نه اگر چنین نیست باید دانست که عاشورا در خط عاشورا نیست. آیا تا چه حد این پیام در دل پیروان امروزشان جای داده شده است که خط آمریکا با یزید که هر دو از یک آبشخور تغذیه می شوند باید طرد گردد. و بر پیروان آن حضرت (علیه السلام) لازم است مرگ را بر ذلت بردگی آمریکا ترجیح دهند.

من می گویم عموم مردم آری، اما برخی از سرکردگان سیاسی مزدور، نه. بهترین راه برای معرفی سیاستمداران بازی خورده معرفی چهره عزتمند ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) برای مردم است، آن هم نه یکبار بلکه تبیین این مفاهیم به طور مداوم و مستمر.

پی نوشت ها :

- 1) بحار الانوار، چاپ بیروت، ج 44، ص 329.
- 2) موسوعة کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، ص 315.
- 3) همان، ص 337.
- 4) بحار الانوار، چاپ بیروت، جلد 44، ص 381.
- 5) موسوعة کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، ص 360.